

ژورنال

شماره ۹۵۳

۳ فوریه ۲۰۲۵ - ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

رونمایی از سعید مرتضوی، دادستان قاتل

کیوان جاوید

حکم اعدام برای منوچهر فلاح، اقدام به جنایتی دیگر توسط رژیم

عطیه نیک نفس

سازماندهی جبهه متحد معلمان و مردم علیه احکام صادر شده!

نسان نودینیان

رژیم مرگ اسلامی و نقش آن در آلودگی هوا

میلا رسایی منش

ترامپ و جنگ گمرکی بر علیه کانادا، مکزیک و چین

سینا پدرام

رونمایی از سعید مرتضوی، دادستان قاتل

کیوان جاوید

روز شنبه ۱۳ بهمن اعلام شد که کانون وکلای دادگستری استان یزد برای سعید مرتضوی، دادستان پیشین تهران پروانه وکالت صادر کرده است.

سعید مرتضوی در پرونده زندان کهریزک به دلیل نقش داشتن در کشته شدن چند تن از معترضان در سال ۸۸ به "انفصال دائم از خدمات قضایی" محکوم شده بود. همچنین این دادستان قاتل مسئول مرگ زهرا کاظمی، روزنامه‌نگار ایرانی - کانادایی بر اثر شکنجه است. یادآور شویم که سعید مرتضوی از

سوی اتحادیه اروپا و دولت آمریکا به دلیل نقض
”حقوق بشر“ تحریم شده است.

ضرورت رونمایی رژیم اسلامی از یک قاتل با پیشینه
سنگین جنایت علیه بشریت در شرایط فعلی چه
می‌تواند باشد؟ سعید مرتضوی به‌عنوان دادستان
تهران در جریان اعتراضات وسیع و سراسری سال
۸۸ آن‌چنان قساوتی از خود به نمایش گذاشت که
سران حکومت اسلامی نتوانستند علناً از او حمایت
کنند و به این دلیل تا اطلاع ثانوی از جلوی صحنه
عقب کشیده شد.

آشکار است که موقعیت حکومت اسلامی از سال
۸۸ تا به امروز به‌مراتب وخیم‌تر و تعرض مردم به
بنیادهای رژیم بسیار وسیع‌تر شده است. ریزش

درونی رژیم و فرار از کشتی درهم شکسته جمهوری اسلامی واقعیتی است که قابل پنهان کردن نیست. طبعاً هیچ کس فکر نمی کند که مرتضوی قرار است با پوشیدن ردای خونین و کالتش از موکلانی دفاع کند که علیه ظلم و بیداد حکومت به پا خاسته اند. او کارنامه روشنی در قتل و جنایت دارد و روزی در جایگاه متهم به پرونده سراسر خونینش رسیدگی می شود.

در شرایطی که انقلاب در ایران بر در می کوبد، مرتضوی ها مجدداً جلوصحنه رانده می شوند تا رسماً در شکل و شمایل دیگر، این بار به عنوان ”وکیل شیطان“ از حکومت جنایت کاران اسلامی در قبال انقلاب مردم دفاع کنند. رژیم اسلامی همه نیروهای منفصل از خدمت و ذخیره و بازنشسته و

منفورِ پشت‌صحنه خود را احضار کرده است. جنگ با شدت و حدت تمام در جامعه ایران در جریان است. مردم با صدها اعتراض و اعتصاب و تعرض، تمامیت جمهوری اسلامی را در ابعاد بسیار متنوع نشانه گرفته‌اند. آیا دادستان سابق و وکیل جدید حکومت اسلامی می‌تواند کمکی به بقای جمهوری اسلامی کند؟ مقیسه و رازینی اگر زنده بودند به این پرسش پاسخ می‌دادند.

حکم اعدام برای منوچهر فلاح،

اقدام به جنایتی دیگر توسط رژیم

عطیه نیک نفس

”روز یکشنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۳، حکم اعدام برای منوچهر فلاح که در زندان لاکان رشت به سر می برد، توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی رشت به ریاست درویش گفتار صادر شده و ساعاتی بعد به دو وکیل او ابلاغ شده است.“

زندان، شکنجه و اعدام همیشه ابزاری برای سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی بوده است و حالا که از همیشه بیشتر تحت فشار است و در مخمصه‌ای مرگبار دست و پامی زند بیش از پیش متوحش گشته

است. جمهوری اسلامی اگر یک روز اعدام نکند، فردای آن قطعاً سرنگون می‌شود و در شرایط فعلی که مشکلات و معضلات متفاوت از سر و روی ایران به واسطه ناکارآمدی رژیم می‌چکد و مردم با بحران‌هایی از قبیل: معیشت به گرو گرفته شده توسط رژیم، نبود کامل آزادی بیان، سیاست‌های جنگ‌افروزی رژیم و البته سرکوب همه‌جانبه رژیم درگیر هستند، جامعه آزاد همیشه مستعدتر است تا علیه این رژیم جنایت اسلامی بلند شود و برای همیشه آن را نابود کند.

از طرفی احکام اعدام که اخیراً به واسطه ترس و استیصال جمهوری اسلامی روبه‌افزایش بوده، ضرورت مبارزه علیه اعدام، این حکم شنیع

ضد انسانی را نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی که خود عامل فلاکت، فقر، فساد و ناامنی است و با اعمال تروریستی در دنیا و البته به یمن مبارزات درخشان مردم داخل ایران از همیشه در تمام دنیا بی‌آبروتر و منزوی‌تر است، می‌خواهد با توسل به شکنجه، اعتراف اجباری، زندان و اعدام همچنان در قدرت بماند، اما ما باید با مبارزهایی پیگیر، متشکل و هدفمند علیه حکم قرون وسطایی اعدام نه تنها باعث لغو تمامی احکام اعدام شویم؛ بلکه طومار این رژیم سراسر نکبت و تباهی را یک‌بار برای همیشه پیچیده و از صحنه روزگار محو کنیم.

صدور حکم اعدام برای منوچهر فلاح که در تمام مراحل دادرسی از حق داشتن وکیل محروم بوده،

خود گواهی است بر جنایت کار بودن این رژیم
اسلامی.

اعدام قتل عمد حکومتی است که رژیم‌های
دیکتاتوری و تمامیت‌خواه برای افزودن به عمر
جنایتبارشان مرتکب آن می‌شوند، فارغ از اینکه
با صدور و اجرای هر اعدامی، به سرعت به سمت
سقوط پیش می‌روند.

سازماندهی جبهه متحد معلمان و مردم

علیه احکام صادر شده!

نسان نودینیان

اداره آموزش و پرورش استان کردستان احکام سنگینی را علیه ۴۷ معلم فعال صادر کرده است. این احکام شامل قطع رتبه بندی برای ۲۷ معلم، اخراج ۱۰ نفر، انفصال از خدمت دولتی برای ۶ نفر، بازنشستگی اجباری ۴ نفر، توبیخ کتبی ۴ نفر، کاهش حقوق ۴ نفر، تبعید ۲ نفر و محرومیت از پست های حساس و مدیریتی برای ۱ نفر است. ۱۳ معلم زن و ۳۴ معلم مرد هدف این احکام قرار گرفته اند. در حال حاضر، شماری از فعالان صنفی معلمان به اتهامات امنیتی در زندان های

جمهوری اسلامی به سر می‌برند و تعدادی دیگر با وثیقه آزاد هستند.

معلمان کردستان در نامه‌ای سرگشاده به تاریخ ۶ بهمن ۱۴۰۳، به سرکوب گسترده معلمان پس از این خیزش اشاره کرده و گزارش‌هایی از ۷۰۰ مورد کسر حقوق، ۴۷ مورد محرومیت از حق رتبه‌بندی، اخراج و صدور احکام انفصال، تبعید و بازنشستگی اجباری برای معلمان ارائه داده‌اند. آن‌ها در این نامه به وضعیت بحرانی آموزش در استان و فشارهای شدید بر فعالین صنفی معلمان پرداخته و از مسئولین خواسته‌اند تا به این احکام سرکوبگرانه رسیدگی کنند.

این احکام پس از خیزش زن‌زندگی آزادی در راستای

سرکوب فعالیت‌های معلمان و محدود کردن اعتراضات آنها به وضعیت آموزش و پرورش در استان کردستان صادر شده است.

مطالبات معلمان که عمدتاً حول محور بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق، و تأمین کیفیت آموزشی است، در سال‌های اخیر بارها با واکنش‌های شدید جمهوری اسلامی مواجه شده است.

برای مبارزه با احکام صادر شده و آزادی معلمان زندانی، سازماندهی یک جبهه متحد از معلمان شاغل و بازنشسته در سطح سراسری ضروری است. همبستگی دانش‌آموزان و والدین و آگاه‌سازی آنها درباره پیامدهای احکام صادر شده، مانند

پایین آمدن کیفیت آموزش و پرورش، را در فضای مجازی و جلسات معلمان با والدین را سازماندهی کنیم. رسانه‌ها و فعالان اجتماعی باید این احکام سنگین را به گوش مردم و جامعه بین‌المللی برسانند. سازماندهی تجمعات اعتراضی در سطح سراسری، اعتراض میدانی به احکام صادر شده و جلب حمایت‌های بین‌المللی برای فشار به صادرکنندگان احکام ظالمانه و جمع‌آوری امضای چندمیلیونی از معلمان، دانش‌آموزان، دانشگاه‌ها، کارگران و والدین و مردم در تمامی شهر و روستاها. در سطح بین‌المللی تعدادی از اتحادیه‌های معلمان همواره از مدافعین پیگیر معلمان و مبارزات آنها بوده‌اند؛ گسترش این عرصه اهمیتی اساسی دارد.

رژیم مرگ اسلامی و نقش آن در آلودگی هوا

میلا در سایی منش

در حالی که آلودگی هوا به یکی از عوامل اصلی مرگ و میر در کلان‌شهرهای ایران تبدیل شده است، رژیم اسلامی همچنان منابع کشور را صرف سیاست‌های مخرب خود می‌کند. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که در اهواز، یکی از آلوده‌ترین شهرهای ایران، از هر پنج مرگ یک مورد مستقیماً با آلودگی هوا مرتبط است. این آمار تکان‌دهنده نتیجه سال‌ها بی‌توجهی به زیرساخت‌های محیط زیستی و مدیریت نادرست منابع کشور است.

به جای سرمایه‌گذاری در بهبود کیفیت هوا، توسعه

حمل و نقل عمومی پایدار و کاهش آلاینده‌ها، حکومت ایران میلیاردها دلار را صرف حمایت از گروه‌های تروریستی، گسترش نفوذ نظامی در منطقه و خرید تسلیحات می‌کند. این در حالی است که شهروندان ایرانی هر روز با مشکلاتی همچون بیماری‌های تنفسی، سرطان و سایر بیماری‌های ناشی از آلودگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

در خوزستان، یکی از مناطق نفت‌خیز کشور، آلودگی صنعتی به سطحی بحرانی رسیده است. با وجود درآمد هنگفت نفتی، هیچ‌گونه برنامه جدی برای کاهش آلاینده‌ها و بهبود وضعیت محیط‌زیست در دستور کار دولت قرار ندارد. به‌جای آن، این سرمایه‌ها در جیب آیت‌الله‌های میلیاردر و نهادهای

سرکوبگر رژیم سرازیر می‌شود.

رژیم اسلامی بنا بر ماهیت بحران‌زای خود و انزجار عمومی راهی به جز از صرف منابع برای سرپا نگه داشتن نیروهای سرکوب‌خود ندارد. جنگ‌افروزی و حمایت از تروریسم اسلامی وجه جدایی‌ناپذیر این رژیم است. با این حال، برافراشتن پرچم مطالبه بهبود شرایط زیست‌محیطی و اعتراض به وخامت روزبه‌روز وضعیت محیط‌زیست، بخش جدایی‌ناپذیر از مبارزه علیه کلیت موجودیت رژیم اسلامی است و باید در دستور کار نیروها، جنبش‌ها و نهادهای پیشرو قرار بگیرد.

ترامپ و جنگ گمرکی بر علیه کانادا، مکزیک و چین

سینا پدram

کاخ سفید روز شنبه اعلام کرد که دونالد ترامپ، تعرفه‌های سنگینی بر واردات از کانادا، مکزیک و چین وضع کرده است. مکزیک و کانادا در واکنش به تصمیم دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه‌های سنگین بر واردات از این کشورها، آمریکا را به "تدابیر تلافی جویانه" تهدید کردند و هشدار دادند که این تصمیم می‌تواند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای داشته باشد. چین در واکنش به این اقدام اعلام کرد که این اقدامات گمرکی هیچ برنده‌ای نخواهد داشت.

تمامی ناظران اقتصادی بر این باورند که این اقدامات نه تنها به بحران اقتصادی آمریکا کمکی نخواهد کرد؛ بلکه پیامدهای جهانی آن غیرقابل پیش بینی هستند.

تعرفه‌ها به طور معمول باعث افزایش هزینه‌های تولید و مصرف می‌شوند، زیرا واردات گران‌تر می‌شود و این امر بر شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان فشار وارد می‌کند. ترامپ و شرکا سعی بر این دارند تا نشان دهند که این سیاست‌ها به تولید "داخلی" ایالات متحده کمک خواهند کرد، اما این کاملاً روشن است که به افزایش هزینه‌ها، کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان و در یک کلام طبقه کارگر خواهد انجامید.

سیاست‌های حمایتی مانند اعمال تعرفه‌ها ممکن است تجارت جهانی را مختل کند و در نتیجه، این اقدامات می‌توانند به بحران‌های مالی و اقتصادی در کشورهای مختلف دامن بزنند.

بحران‌های سرمایه‌داری ناشی از تناقضات بنیادین سرمایه‌داری است. زمانی که سود سرمایه کاهش پیدا می‌کند و یا در یک بازه زمانی افزایش پیدا نمی‌کند، بحران‌های اقتصاد تجلی پیدا می‌کنند. در قرن اخیر حداقل از سال ۲۰۰۸ بخش عمده جهان سرمایه‌داری غرب وارد یک چرخه جدید رکود - بحران شده است که تاکنون ادامه دارد.

عروج ترامپیسیم و این نوع فاشیسیسم خود یکی از نتایج و نشانه‌های بحران جاری سرمایه‌داری در غیاب آلترناتیو چپ رادیکال در آمریکا است؛ ترامپیسیم نه جوابی برای این بحران دارد و نه می‌تواند به آن خاتمه دهد. سیاست‌های اقتصادی ترامپ نتیجه‌ای جز خانه‌خرابی بیشتر مردم آمریکا نخواهد داشت.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال